خبر



اخراج مقام آلمانی به‌دلیل ارتباط با روسیه

وزیر امور داخلی آلمان، آرنه شونبوم، رئیس سازمان امنیت سایبری این کشور را به اتهام ارتباط با روسیه اخراج کرد. رسانه‌های آلمانی مدعی هستند که تماس‌های شونبوم با روسیه احتمالا از طریق شورای امنیت سایبری این کشور صورت گرفته است که خود شونبوم در ایجاد آن نقش داشته است.



دعوت گروه‌های سیاسی عراق به گفت‌وگو

مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق دیروز در نخستین سالروز انتخابات پارلمانی این کشور، از همه گروه‌های سیاسی خواست تا گفت‌وگوی عاقلانه و همه‌جانبه ملی را در راستای تقویت دموکراسی در پیش بگیرند. از دهم اکتبر سال گذشته که انتخابات زودهنگام برگزار شد پارلمان عراق هنوز موفق به انتخاب رئیس‌جمهور نشده است.



حملات روسیه به اوکراین پس از انفجار پل کریمه

به‌دنبال حملات گسترده موشکی و هوایی روسیه به اوکراین در روزهای اخیر، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه گفت: این حملات گسترده در پاسخ به اقدام تروریستی اخیر کی‌یف در خاک روسیه صورت گرفته است. اشاره پوتین به انفجار پل کریمه در روز شنبه است.

یادداشت

چالش‌های ارتش مستقل اروپا

سعید سبحانی
گروه بین‌الملل

جنگ روسیه و اوکراین، ضعف نظامی اروپا و رهبری آمریکا در واکنش غرب، بسیاری از مقامات و ناظران را به این نتیجه رسانده که اکنون بالاخره زمان اقدام اروپا برای مستقل شدن از آمریکا و تبدیل شدن به یک بازیگر استراتژیک مستقل فرا رسیده است.

چندی قبل اولاف شولتس، صدراعظم آلمان خواستار اتحادیه اروپایی قوی‌تر، مستقل‌تر و ژئوپلتیک‌تر شد.

وی با ادعای این‌که تمرکز واشنگتن به رقابت با چین در اقیانوس هند و اقیانوس آرام معطوف شده است، نتیجه گرفت که اروپا، آینده ماست.

در تئوری، استقلال استراتژیک اروپا جذاب است. به‌هرحال اتحادیه اروپای تقریبا ۴۵۰ میلیون نفری، تولید ناخالص داخلی ۱۸ تریلیون دلاری و بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار هزینه دفاعی توسط کشورهای عضو دارد. با این حال، در عمل، این ایده یک نقص بزرگ دارد و آن این‌که با کنار زدن آمریکا بدون افزایش قدرت اروپا، این اتحادیه ضعیف‌تر از گذشته شده و توان کافی برای حفظ امنیت خود را ندارد.



در نگاه اول ممکن است گیج‌کننده باشد که چرا قاره‌ای ثروتمند و قدرتمند مانند اروپا برای امنیت و دفاع خود به آمریکا نیاز دارد و از دید واشنگتن این سؤال مطرح است که چرا حفظ حمایت از اروپا در خدمت منافع ایالات متحده است؟

برای پاسخ به این سوالات باید به ساختار اتحادیه اروپا و نوع روابط این اتحادیه با آمریکا پرداخت. اتحادیه اروپا و ۲۷ کشور عضوش با همه اندازه و قدرت اقتصادی‌اش، سرعت، بزرگی و پیچیدگی قدرت ارتش ایالات متحده را ندارد. کشورهای اروپایی به‌رغم وعده‌هایشان به یکدیگر برای تقویت ارتش‌هایشان، بعید است که تا مدت‌ها بتوانند قادر به رقابت با توانایی نظامی آمریکا باشند و نیروهای خود را تحت یک فرماندهی واحد متحد کنند یا بر سر مسائل امنیتی وجودی به توافق برسند.

در تمام مناطقی که کشورهای اروپایی در سه دهه گذشته به‌صورت نظامی حضور داشته‌اند (افغانستان، بوسنی، عراق، کوزوو و لیبی) نقش ایالات متحده تعیین‌کننده بوده است. در اوکراین، ایالات متحده اکثریت قریب‌به‌اتفاق کمک‌های نظامی را ارائه می‌کند؛ بیش از ۱۰ میلیارد دلار در مقایسه با تنها ۲/۵ میلیارد دلار اتحادیه اروپا. واشنگتن همچنین بیش از ۱۰ هزار سرباز را برای تقویت جناح شرقی ناتو اعزام کرده و این درحالی است که برلین ۱۵۰۰ و پاریس هزار سرباز اعزام کرده است. این تقسیم کار، که در آن سهم اروپا به‌ندرت از ۲۰ درصد فراتر می‌رود، از پایان جنگ سرد همواره به همین شکل در جریان بوده است.

البته اروپا می‌تواند نقش‌آفرینی بیشتری داشته باشد اما به‌نظر می‌رسد تمایلی به این کار ندارد: فرانسه را در نظر بگیرید که اخیرا حدود ۵۰۰۰ سرباز را از مالی خارج کرده است که می‌تواند این نیروها را در شرق ناتو مستقر کند. همین استدلال در مورد کمک‌های نظامی نیز صدق می‌کند: آلمان، فرانسه و ایتالیا درمجموع کمتر از لهستان به اوکراین کمک کرده‌اند و این درحالی است که مجموع تولید ناخالص داخلی آنها تقریبا ۱۴ برابر لهستان است.

برخی تحلیلگران معتقدند برای دستیابی به استقلال استراتژیک واقعی، اروپا باید جایگزینی برای چتر هسته‌ای آمریکا بیابد که البته کار آسانی نیست. طرفداران استقلال اروپا به زراد خانه هسته‌ای فرانسه اشاره می‌کنند که می‌تواند روی کاغذ به سایر کشورهای اتحادیه اروپا و حتی برای مقابله با روسیه گسترش یابد اما آیا فرانسه حاضر است اقدام به چنین کاری کند؟ سؤالات مشابهی در مورد هر تصمیم امنیتی مهم دیگری وجود دارد؛ جایی که اروپایی‌ها به‌سادگی تجربه تصمیم‌گیری و راه‌اندازی جنگ را ندارند. چه کسی ارتش اتحادیه اروپا را کنترل می‌کند؟

ایجاد یک چتر امنیتی در اروپا از سوی آمریکا، به این کشور نقش ویژه‌ای برای جهت‌دهی سیاست در قاره اروپا و توانایی بسیج متحدان برای اقدام مشترک می‌دهد که در غیر این صورت فاقد این توانایی بود.

از سوی دیگر اگر ایالات متحده بخواهد اقتصاد چین را محدود کند، به حمایت اروپا نیاز خواهد داشت و این مسأله نشان می‌دهد یک معامله استراتژیک بزرگ در میان است.

اما اگر در آمریکا دونالد ترامپ یا فردی مانند او به کاخ سفید برسد آیا اروپا به حال خود رها نخواهد شد؟ و پرسش‌های مشابهی را می‌توان در مورد مارین لوپن فرانسوی یا برخی دیگر از سیاستمداران اروپایی با گرایش‌های ضدغرب پرسید. به همین دلیل است که بسیاری هنوز معتقدند یک اتحاد نظامی مانند ناتو مؤثرتر از یک ارتش متمرکز اتحادیه اروپاست. آمریکا و اروپا نیز از توازن ناشی از وابستگی متقابل سود می‌برند.

کیش پیونگ یانگ به کاخ سفید

کره‌شمالی با وجود تهدیدات آمریکا، هفتمین موشک بالستیک خود را پرتاب کرد



محمد علیزاده
گروه بین‌الملل

تداوم مداخله‌گرایی آمریکا در شبه‌جزیره کره و شرق آسیا، به ورود پررنگ دوباره پیونگ یانگ به این منازعه منجر شده است. اقدامات کره‌شمالی درخصوص پرتاب موشک‌های بالستیک و آزمایش انواع پیشرفته این موشک‌ها، پیامی آشکار نسبت به تنش‌زایی مشترک مثلث «توکیو - واشنگتن - سئول» محسوب می‌شود. فراتر از آن، طی ماه‌های اخیر آمریکا بر شدت تنش‌زایی خود در تایوان و دریای چین جنوبی نیز افزوده است. به‌راستی چه اتفاقی در شرق آسیا در حال رخ دادن است؟

شلیک هفتمین موشک بالستیک کره‌شمالی به آب‌های شرقی ژاپن بار دیگر موازنه قدرت در شرق آسیا را به ضرر آمریکا و متحدانش تغییر داده است. اخیرا گشت ساحلی ژاپن اعلام کرد که کره‌شمالی احتمالا یک موشک بالستیک دیگر شلیک کرده است. ارتش کره‌جنوبی نیز تایید کرد که کره‌شمالی یک موشک بالستیک به‌سوی دریای شرقی شلیک کرده است. سخنگوی سازمان هوانوردی کره‌شمالی گفت: «آزمایش‌های موشکی ما اقداماتی عادی بوده و در راستای دفاع از خود و محافظت از امنیت و صلح منطقه در برابر تهدیدات نظامی آمریکاست. این آزمایش‌های موشکی، تهدید یا صدمه‌ای را متوجه هوانوردی غیرنظامی و امنیت کشورهای همسایه و منطقه نکرده و ایمنی هوانوردی غیرنظامی را به‌طور کامل در نظر می‌گیرد.»

هفتمین هشدار

هفتمین آزمایش موشکی ارتش کره‌شمالی طی روزهای اخیر به افزایش بی‌ثباتی و تنش‌ها بین پیونگ یانگ با کره‌جنوبی، ژاپن و آمریکا دامن زده است.

این درحالی است که بامداد چهارشنبه نظامیان آمریکا و کره‌جنوبی در واکنش به آزمایش موشکی کره‌شمالی، چهار فروند موشک سطح‌به‌سطح، به سمت دریای شرقی (دریای ژاپن) پرتاب کردند.

با این حال، اقدام اخیر پیونگ یانگ نشان می‌دهد که کره‌شمالی بار دیگر بر تصمیم راهبردی خود مبنی بر افزایش هزینه‌های مداخله‌گرایی واشنگتن، سئول و توکیو صحه گذاشته است. همین مسأله به نگرانی شدید بایدن و همراهانش در کاخ سفید منجر شده است زیرا وقوع جنگ اوکراین و الحاق مناطق جدید شرقی و جنوبی این کشور به روسیه، قدرت غرب را در هر دو عرصه «بازدارندگی» و «اقدام» کاهش داده است. درست در چنین شرایطی بار دیگر «شرق آسیا» به یکی از نقاط برجسته و آشکارساز آسیب‌پذیری آمریکا در جهان امروز تبدیل شده است.

افزایش ریسک بازی آمریکا در شرق آسیا

اقدامات اخیر کره‌شمالی، فارغ از آن‌که ماهیت دفاعی یا تهاجمی داشته باشد، قدرت مانور و ریسک‌پذیری آمریکا و متحدانش را در شرق آسیا شدیدا کاهش می‌دهد. نمی‌توان آزمایش‌های موشکی اخیر کره‌شمالی را بی‌ارتباط با تحولات شرق آسیا ازجمله مداخله خطرناک آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن در تایوان دانست. شاید تشدید بحران در اوکراین و به‌رسمیت شناخته‌شدن استقلال مناطق لوهانسک و دونتسک توسط مسکو، آثار جغرافیایی و بین‌المللی محدودی نداشته باشد. با توجه به اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا و برخی کشورهای غربی مانند انگلیس و استرالیا در تایوان و حمایت همه‌جانبه آنها از استقلال‌طلبان، امکان دارد پکن از وضعیت موجود در اوکراین بخواهد نهایت استفاده را برده و یک بار برای همیشه بحران تایوان را حل‌وفصل کند. در این شرایط، قطعا کره‌شمالی نیز رویکرد بی‌طرفانه‌ای نخواهد داشت و بازی آن، معطوف به افزایش قدرت مانور منطقه‌ای چین و متعاقبا، مواجهه با اقدامات واشنگتن در شرق آسیا تعریف خواهد شد. پکن بارها تاکید کرده است که اساسا تایوان متعلق به سرزمین مادری خود (چین) بوده و مداخله غرب در امور داخلی این منطقه، غیرقابل قبول است. پکن، تایوان را بخشی از سرزمین چین می‌داند و تحرکات آمریکا و فروش سلاح به تایوان را نقض حاکمیت خود و مغایر با سیاست چین واحد ارزیابی می‌کند. بااین حال آمریکا با اعزام ناو به تنگه تایوان و کمک نظامی به تایوان عملا در مسیر حمایت از این جزیره است و پکن بارها به این مسأله اعتراض کرده است، درحالی‌که کشورهای عضو سازمان ملل متحد ازجمله خود آمریکا، تایوان را به‌عنوان کشور مستقل به رسمیت نمی‌شناسند.

نگاه

پیونگ یانگ، بازی آمریکا را خوانده است

دکتر محمد زارع، تحلیلگر مسائل شرق آسیا در گفت‌وگو با جام جم درخصوص آنچه امروز در شبه‌جزیره کره و تنش‌های به‌وجودآمده میان پیونگ یانگ با واشنگتن و سئول می‌گذرد، می‌گوید: پیونگ یانگ از طریق پکن بازی آمریکا در شرق آسیا را به‌طور کامل رصد می‌کند.

اقدامات اخیر کره‌شمالی نشان می‌دهد که واشنگتن و متحدانش قدرت نامحدودی جهت تعیین معادلات جدید قدرت در شبه‌جزیره کره، تایوان، دریای چین، تبت، هنگ‌کنگ و ... را ندارند. فراتر از آن، نمی‌توان اقدامات اخیر کره‌شمالی را در زیرساخت و فرامتنی غیر از منازعات اخیر میان آمریکا و چین مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. اصلی‌ترین هدف آمریکا از تحرکاتش در شبه‌جزیره کره طی سال‌های گذشته و اخیر، مهار چین بوده است.

در چنین شرایطی، کره‌شمالی نمی‌تواند نسبت به تحرکات کاخ سفید و همراهانش در شرق آسیا بی‌تفاوت بماند. این یک قاعده پررنگ در معادلات قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شود و آمریکا نیز به‌جای سرزنش کره‌شمالی، باید پاسخگوی رویکرد مداخله‌گرایانه خود در این خصوص باشد.



تحلیل

رقابت در نظامی‌سازی متحدان

مروری بر سیاست آمریکا در قبال مصر که همواره نتیجه معکوس داشته‌است



حسین یاری
گروه بین‌الملل

در ماه‌های گذشته بارها اخباری درباره کمک نظامی آمریکا به مصر منتشر شده و آمریکایی‌ها رفتار ضد و نقیض در این زمینه داشته‌اند .از زمان امضای پیمان صلح کمپ‌دیوید میان مصر و رژیم‌صهیونیستی در سال ۱۹۷۹، ارتش مصر روابط بسیار خوبی با ارتش آمریکا برقرار کرده‌است. حتی نیروهای نظامی مصر ۹۰درصد از سلاح‌های آمریکایی استفاده می‌کنند و این بخشی از سیاست خارجی آمریکا برای وابستگی هم‌پیمانان منطقه‌ای این کشور است. آمریکا همچنین سالانه یک میلیارد و ۳۰۰میلیون تومان به مصر کمک مالی می‌کند.

اما در سال‌های گذشته با توجه با تشدید انتقادات از دولت مصر در زمینه‌های حقوق‌بشر و دموکراسی آمریکایی‌ها بر سر یک دو راهی در ادامه حمایت از دولت مصر قرار گرفته‌اند. از یک سو اگر به ادامه حمایت از این کشور ادامه دهند، سیاست‌های دوگانه آنها در زمینه حقوق‌بشر، انتقاد برانگیز می‌شود و اگر به این کمک‌ها پایان دهند، واشنگتن به‌خوبی می‌داند قطع کمک‌های نظامی و فروش سلاح به مصر به از دست دادن یک هم‌پیمان استراتژیک و مهم در منطقه منجر می‌شود و مصر را برای جبران نیازهای نظامی به سمت روسیه و چین متمایل خواهدکرد. لذا هر دولتی که در واشنگتن برسر کار می‌آید صرف‌نظر از رویکرد سیاسی و حزبی، درپی حفظ روابط قوی و پایدار با مصر به ویژه در حوزه دفاعی است.

بر همین اساس آمریکایی‌ها به رفتاری سینوسی روی آورده‌اند و در مقطعی به انتقاد از عملکرد دولت مصر در حوزه‌های حقوق‌بشری می‌پردازند و در مقطعی دیگر از طریق ارسال سیگنال‌هایی به دولت مصر، پیام می‌دهند نباید نگران قطع حمایت‌های آمریکا باشد.

بر همین اساس بود که حدود یک ماه قبل و پس از تلاش‌های زیادی که گروه‌های حامی حقوق‌بشر برای تعلیق کمک مالی آمریکا به مصر کردند، دولت بایدن تنها با تعلیق ۱۳۰ میلیون دلار از کمک سالانه این کشور به مصر به دلیل نقض حقوق‌بشر موافقت کرد.

البته به گفته مقام‌های آمریکایی، این مبلغ درصورتی که مصر در راستای رعایت حقوق‌بشر در این کشور اقدام کند، به آنها بازگردانده می‌شود.

این کمک‌ها علاوه بر جنگ‌افزار نظامی است که در خرداد گذشته از سوی آمریکا به مصر فروخته شده‌بود. در آن مقطع وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد با فروش بالگردهای شینوک اف ۴۷ و قطعات مورد نیاز آن به قیمت ۲/۶ میلیارد دلار موافقت کرده‌است.

به رغم نگرانی‌ها در حوزه نقض حقوق‌بشر در مصر، این دومین معامله سلاح مورد توافق دولت بایدن با مصر بود. دولت بایدن ژانویه گذشته از فروش ۱۲ هواپیمای سی ـ ۱۳۰ جی سوپرهرکولس به ارزش ۲/۲ میلیارد دلار و سیستم رادار دفاع هوایی اس‌پی‌اس ۴۸ به ارزش ۳۵۵ میلیون دلار به مصر خبر داده‌بود. به گفته وزارت خارجه آمریکا، این معامله با هدف تقویت سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا از طریق کمک به ارتقای امنیت یک کشور هم‌پیمان غیر عضو در ناتو صورت می‌گیرد که یک شریک استراتژیک و مهم در خاورمیانه برای واشنگتن به شمار می‌رود.

هشدارهای پنهانی

علاوه بر این کمک‌ها، سفر چندی قبل ژنرال فرانک مک کنزی، فرمانده ارشد نظامی آمریکا در خاورمیانه به مصر، دو پیام اصلی داشت؛ اولین پیام این بود که تصمیم دولت بایدن برای تعلیق کمک نظامی ۱۳۰ میلیون دلاری به مصر، تأثیری بر روابط استراتژیک بین دو کشور ندارد.

پیام دوم این سفر این بود که اگر مصر اقدام به خرید تسلیحات از روسیه کند، روابط واشنگتن و قاهره تحت تأثیر قرار خواهدگرفت. سفر مک‌کنزی به مصر در پی انتقادات گسترده از فروش ۲/۵ میلیارد دلاری تسلیحات به مصر در یازدهمین سالگرد قیام مصر و سرنگونی حسنی مبارک، رئیس جمهور وقت این کشور صورت گرفت.

سفر مک کنزی نمایش دقیقی از سیاست خارجی جو بایدن در قبال خاورمیانه و ماهیت کمک‌های امنیتی آمریکا به طور کلی است. همچنین نشان‌دهنده تداوم این دیدگاه در آمریکاست که به قیمت زیر پا گذاشته شدن حقوق‌بشر و دموکراسی و با ادعای ایجاد امنیت دست به نظامی‌سازی در یک کشور می‌زند.

این سفر همچنین در تضاد با وعده‌های بایدن حول سه موضوع اولویت‌دار مبارزه با فساد، مبارزه با اقتدارگرایی و حمایت از حقوق‌بشر است. سفر مک‌کنزی همچنین نشان می‌دهد چگونه سیاست‌های آمریکا در خصوص روسیه و چین بر تمام سیاست خارجی آمریکا سایه انداخته‌است.

اما باید گفت اگر واقعا آمریکا مدعی است به دنبال کمک امنیتی به برخی کشورهاست، این کار از طریق ارائه کمک‌های نظامی با ارزش بالا و فروش تسلیحات به نیروهای مستبد قابل انجام نیست.

کمی بیش از یک سال قبل از برکناری مبارک، ایالات متحده یک قرارداد ۳/۲ میلیارد دلاری برای فروش ۲۵ فروند اف ۱۶ و تسلیحات مرتبط، با مصر منعقد کرد اما این امر مانع سقوط او پس از ۱۸ روز اعتراض نشد.

قابل توجه این‌که همان بی‌عدالتی‌ها و سوءاستفاده‌هایی که در دوران مبارک وجود داشت، با همان شدت و غلظت در مقطع فعلی هم در جریان است. نکته بعد این‌که اگر هدف از اقدامات اخیر آمریکا، کسب یک برتری استراتژیک نسبت به سایر کشورها در مصر باشد، آمریکا به هیچ وجه به هدف خود دست نخواهدیافت و این‌گونه اقدامات فقط به تشدید مسابقه تسلیحاتی کمک می‌کند که به درگیری‌های منطقه‌ای دامن می‌زند. چند روز پس از قرارداد ۲/۵ میلیارد دلاری مصر با ایالات متحده، کره‌جنوبی قراردادی ۱/۷ میلیارد دلاری برای صادرات «هویتزرهای خودکششی کی۹» و سایر خودروهای پشتیبانی خود به مصر امضا کرد.

سیاست خارجی آمریکا در رابطه با مصر (تحت حاکمیت هرگروه یا جریان) همواره بر تضمین وابستگی کامل قاهره به ویژه به لحاظ نظامی به واشنگتن مبتنی است. لذا هرگونه صحبت از حقوق‌بشر در مصر در کنگره آمریکا و درخواست‌ها برای قطع حمایت‌های نظامی از مصر صرفا مواضعی برای فرار از فشار افکار عمومی است

یکی از مقامات ارشد ارتش مصر در مورد این فروش به‌صراحت اظهار نظر کرد که مصر از منابع متنوعی، تسلیحات خود را تأمین می‌کند. تا پایان سال گذشته، صادرات تسلیحات آلمان به مصر به ۱۰/۶۵ میلیارد دلار جهش کرد که نسبت به سال قبل ۶۰ درصد افزایش داشت و دلیل این جهش قابل توجه، معامله بزرگ تسلیحاتی به ارزش ۴/۹ میلیارد دلار بود. مصر همچنین اخیرا با وجود انتقادات در مورد نقض حقوق‌بشر معاملات تسلیحاتی با ارزشی با فرانسه و ایتالیا منعقد کرده‌است.

روابط گسترده مصر و روسیه

نکته بعد این‌که خرید تسلیحات از روسیه می‌تواند برهمکاری نظامی مصر با ایالات متحده تأثیر بگذارد، چراکه در صورت اقدام، مشمول تحریم‌های آمریکا خواهدشد. با این حال، روابط مصر با روسیه به تسلیحات محدود نمی‌شود. دسامبر گذشته، رزمایش مشترک دریایی مصر و روسیه به نام پل دوستی ۴ در دریای مدیترانه با هدف تبادل تجربیات و تقویت همکاری‌ها برگزار شد.

جنبه مهم‌تر روابط استراتژیک بین مصر و روسیه بر واردات گندم متمرکز است. مصر بزرگ‌ترین واردکننده گندم در جهان است و این کالای استراتژیک مهم‌ترین ستون ثبات در این کشور است. روسیه صادرکننده اصلی گندم به مصر است که رقم این صادرات در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ بالغ بر ۲/۵۵ میلیارد دلار بوده‌است. این رقم به دلیل بالا رفتن قیمت‌ها در حال افزایش است و مصر باید ۱/۵ میلیارد دلار اضافی (۰/۴ درصد تولید ناخالص داخلی) بپردازد تا این هزینه را پوشش دهد.

این یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که مصر به‌ویژه در شرایط اقتصادی آسیب‌پذیر، با آن مواجه‌است. السیسی به دلیل انجام اقدامات به‌اصطلاح شجاعانه اقتصادی برای کاهش یارانه گاز و دیگر کالاها، مورد ستایش قرار گرفته‌است اما این اقدامات فقط باعث افزایش فشار اقتصادی بر مصریان شد.

سال ۱۹۷۷، انور السادات، رئیس‌جمهور وقت مجبور شد تصمیم خود را برای لغو یارانه گندم به دلیل اعتراض‌های گسترده موسوم به قیام نان ملغی کند. اکنون هیأت دولت با کاهش سهمیه نان یارانه‌ای به ازای هر خانواده، مشغول آزمایش این تجربه در خصوص آب است.

با توجه به سیاست‌های اقتصادی ناپایدار مصر، با افزایش شدید بدهی‌های خارجی و اتکای شدید به وام‌های کوتاه با بهره بالا برای پوشش آنها، اینها چالش‌های حیاتی هستند. در سال ۲۰۲۰ مصر مجبور به پرداخت بدهی ۲۸ میلیارد دلاری بود که بیشتر از ارزش کل صادرات و حدود پنج برابر درآمد حاصل از کانال سوئز در مدت مشابه بود.

اما بحران آب بر وخامت اوضاع می‌افزاید. مدتی قبل السیسی اعلام کرد مصر در وضعیت فقر آب قرار دارد. ترس از تأثیر احتمالی سد رنسانس بزرگ اتیوپی بر سهم مصر از آب رودخانه نیل بر نگرانی‌ها می‌افزاید. بر این اساس، مصر با روسیه برای ایجاد طرح‌های نمک‌زدایی آب به‌عنوان بخشی از تلاش‌های مصر برای رسیدگی به بحران در حال وقوع آب، همکاری می‌کند.

ناکامی آمریکا در مهار مسکو و پکن

به نظر می‌رسد سیاست آمریکا برای مقابله با نفوذ روسیه و چین در سایر کشورها چندان اثرگذار نیست. در جریان سفر اخیر السیسی به چین برای بازی‌های المپیک زمستانی، شی جین پینگ، رئیس جمهور چین بیانیه‌ای صادر و تاکید کرد چین و مصر در دفاع از منافع خود دیدگاه‌ها و استراتژی‌های مشابهی دارند. این درست پس از دیدار شی با ولادیمیر پوتین بود، جایی که آنها ۱۲ توافق را در زمینه تجارت، انرژی و سایر زمینه‌ها امضا کردند و بر همسویی کشورهای خود در برابر سلطه ایالات متحده تأکید کردند.

سقوط مبارک در ۱۱ سال پیش باید تجربه‌ای باشد برای آمریکا که رویکرد بیش از حد نظامی آمریکا بی‌اثر و معکوس بوده‌است. هیچ‌یک از اینها با اولویت‌های اعلام شده بایدن، همسو نیست و به وضوح با استانداردهای جهانی حقوق‌بشر همخوانی ندارد.

واقعیت این است که سیاست خارجی و نگاه به منافع و امنیت ملی آمریکا در خاورمیانه براساس حفظ رابطه با مصر (تحت حاکمیت هر گروه یا جریان) و تضمین وابستگی کامل قاهره به ویژه به لحاظ نظامی به واشنگتن مبتنی است. لذا هرگونه صحبت از حقوق‌بشر در مصر در کنگره آمریکا و درخواست‌ها برای قطع حمایت‌های نظامی از مصر صرفا مواضعی برای فرار از فشار افکار عمومی است.